

## بررسی و نقد دیدگاه فقیهان شیعه و اهل سنت درباره اضطباع و رمل (هروله) در طواف

سید جعفر صادقی فدکی<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۱)

### چکیده

از اعمال حج و عمره، طواف بر گرد خانه خداست که در شرع برای آن احکام و آدابی ذکر شده است. از جمله آداب مورد اختلاف فقیهان اسلامی در این عمل، اضطباع و رمل (هروله کردن) در طواف است. بیشتر فقیهان مذاهب اهل سنت با تأسی به سیره رسول خدا ﷺ این دو عمل را مستحب شمرده‌اند و برخی از آنان به وجوب هروله حکم کرده‌اند. برخی فقیهان متقدم امامیه نیز با استناد به دلیل یادشده، این دو عمل را مستحب دانسته‌اند. در برابر بیشتر فقیهان امامیه از عدم استحباب این دو عمل پس از پیامبر ﷺ یاد کرده و در برابر، حرکت آرام و با اعتدال را در طواف مستحب شمرده‌اند. در این پژوهش ضمن بیان سبب پیدایش این دو عمل در اسلام و طرح دیدگاههای مطرح از سوی فقیهان مذاهب اسلامی، مجموع دو دیدگاه اخیر نظریه صحیح در این باره شمرده شده و ضمن نقد ادله دیدگاه نخست، این دیدگاه با ادله مختلف و متعدد به اثبات رسیده است.

**کلیدواژه‌ها:** طواف، اضطباع، رمل، حکم شرعی، حکم حکومتی.

### طرح مسئله

از جمله اعمال واجب در حج و عمره، طواف بر گرد کعبه است. این عمل افزون بر وجوب، به‌گونه مستقل نیز مشروع بوده و عموم زائران خانه خدا اعم از حج‌گزاران و غیر آنان

---

۱. استادیار پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم /

می‌توانند به مقدار توان خویش آن را به عنوان عملی مستحب به‌جا آورند. در طواف بر گرد خانه خدا به‌جز انجام برخی اعمال و اجزای واجب، انجام برخی اعمال مستحب شمرده شده که از جمله اعمال یادشده اضطباع و هروله در طواف است که برخی از مذاهب اهل سنت این دو عمل را یک عمل دانسته و اضطباع را جزئی از رمل دانسته‌اند (سرخسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۰)، ولی عموم فقیهان اهل سنت و امامیه اعمال یادشده را دو عمل، ولی ملازم با هم شمرده‌اند (نوی، بی‌تا، ج ۸، ص ۴۳؛ حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۰، صص ۵۸۴-۵۸۵)، ولی در حکم این دو عمل پس از پیامبر ﷺ اختلاف نظر دارند.

منشأ این اختلاف، انجام این دو عمل در سیره رسول خدا ﷺ در عمرة القضاء است که در روایات منقول از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده است. اهل سنت از ابن عباس نقل کرده‌اند که رسول خدا ﷺ و اصحاب آن حضرت وارد مکه شدند. مشرکان با خود گفتند: فردا گروهی بر شما وارد می‌شوند که گرمای یثرب آنان را سست و ناتوان کرده است، از این رو پیامبر ﷺ به مسلمانان فرمان داد تا سه شوط از طواف را هروله کنند تا مشرکان قوت و صلابت آنان را ببینند (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۸۶؛ مسلم بن حجاج، بی‌تا، ج ۴، ص ۶۵). سپس آن حضرت همراه با مسلمانان اضطباع کرده و همانند آهوان سه شوط از طواف را هروله کردند (ابوداود سجستانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، صص ۴۲۰ و ۴۲۲). از طریق امامیه نیز در روایتی به نقل از امام باقر ﷺ آمده است: رسول خدا ﷺ پس از قراردادی که با مشرکان منعقد گردید وارد مکه گردید و به مسلمانان فرمان داد با قدرت و شوکت ظاهر شوند، از این رو به آنان فرمود: بازوهایشان را از لباس احرام خارج کنند و آن حضرت خود نیز چنین کرد و سپس بر گرد خانه خدا هروله کردند تا نشان دهند خستگی سفر آنان را ناتوان نکرده است» (ابن بابویه، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۴۱۲).

روایات یادشده و برخی ادله دیگر سبب گردید فقیهان اهل سنت و برخی فقیهان امامیه اضطباع و هروله در طواف را حکم شرعی ثابت و عملی مستحب و برخی واجب به‌شمار آورند. در برابر، بیشتر فقیهان امامیه با استناد به روایات و سیره عملی اهل بیت ﷺ این دو عمل را خاص صدر اسلام و شرایط ویژه حاکم بر آن عصر دانسته و در برابر، حرکت آرام و باوقار را در طواف مستحب شمرده‌اند. در بررسی و تحلیل این دیدگاهها، نظریه اخیر دیدگاه صحیح در این مورد به‌شمار رفته است، با این توضیح اضافی که فرمان رسول خدا ﷺ به اضطباع و هروله در طواف، همانند برخی احکام دیگر صادر شده از آن حضرت یا امامان

معصوم علیه السلام هم چون فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله به خضاب کردن اصحاب و عدم عمل کردن امیر مؤمنان علیه السلام به این سیره در عصر خود، تحریم متعه در برخی زمانها یا سرزمینهای خاص از سوی امام صادق علیه السلام و مانند آنها از احکام حکومتی و ولایی اسلام بوده است (عاملی، ۱۴۲۴ق، صص ۶۷-۶۵) که برای رعایت مصلحت عموم مسلمانان یا افراد خاص به گونه موقت صادر شده و جنبه دوام و ثبات نداشته است.

پرداختن به این موضوع از آن جهت ضرورت دارد که بحث یادشده از موضوعات بسیار مهم و چالشی میان فقیهان اهل سنت و فقیهان امامیه است که تاکنون در کتاب یا مقاله پژوهشی به طور مستقل به آن پرداخته نشده است، از این رو بررسی این موضوع و تحلیل و نقد ادله طرفین جهت شناخت نظریه صحیح در این بحث امری ضروری است. افزون بر این، بیشتر زائران و طواف کنندگان خانه خدا از جمله بسیاری از زائران ایرانی عازم سرزمین وحی، از پیروان دیدگاه استحباب این دو عمل در حج و عمره هستند که با خارج کردن بازوان خود از احرام و هروله کردن در طواف، افزون بر انجام عمل لغو در صورت اثبات شرعی نبودن آنها، اسباب به مشقت انداختن خود و گاه آزار دیگران را نیز فراهم می کنند، از این رو این پژوهش می تواند در جهت شناخت بهتر تکلیف الهی زائران و جلوگیری از پیامدهای یادشده راهگشا و ثمربخش واقع گردد، لیکن قبل از پرداختن به دیدگاههای مطرح در این باره و بیان دیدگاه صحیح لازم است برخی اصطلاحات وارد شده در روایات و منابع فقه مربوط به موضوع تبیین شود.

## مفاهیم

«طواف»: از ریشه «طوف» و در لغت به معنای چرخیدن (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴۳۲) و راه رفتن به دور چیزی اطلاق شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۷ق، ص ۳۱۱) و در اصطلاح فقه به هفت دور چرخیدن بدون فاصله زیاد در اطراف کعبه با نیت و قصد قربت اطلاق می گردد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۲ش، ج ۵، ص ۲۱۷؛ عبدالمنعم، بی تا، ج ۲، ص ۴۴۱).

طواف به چهار قسم طواف قدوم: طواف واجب یا مستحبی که زائر پس از ورود به مکه انجام می دهد (نجفی، ۱۳۶۵ش، ج ۱۹، ص ۳۵۲)، «طواف حج» یا «طواف افاضه» یا «طواف زیارت» (همان، ص ۲۷۳) که به طواف خانه خدا پس از اعمال منا اطلاق می شود (فتح الله، ۱۴۱۵ق، ص ۲۷۳)، «طواف نساء»: طواف دوم در حج تمتع، قران، افراد و عمره

مفرده (همان، ص ۲۷۳) و «طواف وداع»: آخرین طواف مستحبی که حج‌گزار هنگام ترک مکه انجام می‌دهد (همان‌جا) تقسیم شده است.

«اضطباع» از ریشه «ضبع» به معنای بازو یا زیر بغل گرفته شده و در لغت و اصطلاح به خارج کردن بازو از لباس احرام با عبور دادن حوله احرام از زیر بغل راست و انداختن آن بر شانه چپ اطلاق می‌شود و بدان سبب به این عمل اضطباع گفته شده که حج‌گزاران در آن بازوان خود را از لباس احرام خارج می‌کنند (ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۸، ص ۲۱۶؛ عبدالمنعم، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸۲).

«رَمَل»: در لغت به معنای ماسه، ماسه ریختن، نازک کردن، زینت و آرایش دادن و شتاب در راه رفتن آمده است (ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱، ص ۲۹۴؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۲۹۴) و در اصطلاح فقه به نوعی حرکت میان راه رفتن و دویدن (نراقی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۷۸)، تند راه رفتن همراه با نزدیک گذاشتن گامها (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۳۸۵) و حرکت و تکان خوردن شانه‌ها (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۹۹) با اجتناب از پرش و جهش در گامها اطلاق می‌گردد (شتقی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۹۵)، از این رو بسیاری این اصطلاح را به هروله کردن تفسیر کرده‌اند (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۱۰۲؛ نراقی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۷۸؛ آبی ازهری، بی‌تا، ص ۳۶۷؛ عبدالمنعم، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۸۳). برخی فقیهان اهل سنت تعریفی متفاوت از رمل ارائه داده و گفته‌اند: رمل عبارت است از بیرون کردن شانه از لباس احرام و تکان دادن شانه‌ها با دویدن آرام، همانند جنگجویی که با تبختر در میان دو صف مبارز می‌طلبد (سرخسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۰).

«هروله»: در لغت و اصطلاح به معنای با سرعت حرکت کردن، حرکت بین راه رفتن و دویدن یا نوعی از دویدن (ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱، ص ۶۹۵؛ فتح‌الله، ۱۴۱۵ق، ص ۲۱۲) و یا با سرعت راه رفتن شخص پیاده و به حرکت درآوردن مرکب از سوی شخص سواره اطلاق شده است (نجفی، ۱۳۶۵ش، ج ۱۹، ص ۹۹).

«حکم»: حکم در لغت به معنای منع است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۹۱) و در اصطلاح به خطاب خداوند که به افعال مکلفان تعلق می‌گیرد گفته می‌شود، اعم از اینکه به نحو اقتضاء یا تخییر یا وضع باشد (حکیم، ۱۹۷۹م، ص ۵۵). حکم در یک تقسیم به دو قسم حکم شرعی و حکم حکومتی تقسیم شده است:

الف) حکم شرعی: به احکامی گفته می‌شود که از سوی خداوند به طور دائمی و ثابت برای تنظیم حیات انسان تشریح شده است (فتح‌الله، ۱۴۱۵ق، ص ۱۶۶).

ب) حکم حکومتی: که به آن «حکم ولایی»، «حکم حاکم»، «احکام سلطانی» و «احکام متغیر» گفته شده (رحمانی، ۱۳۸۲ش، ص ۵۹) به تصمیمات حاکم و ولی امر اسلامی اطلاق می‌گردد که در سایه قوانین شریعت و رعایت مصلحت وقت صادر شده و طبق آنها مقرراتی وضع و به اجرا درمی‌آید که اجرای مقررات نام‌برده لازم بوده و مانند احکام شرعی دارای اعتبار هستند، با این تفاوت که قوانین آسمانی، ثابت و غیرقابل تغییر است، ولی مقررات یادشده قابل تغییر و در ثبات و بقاء تابع مصلحتی هستند که آنها را به وجود آورده است (طباطبایی، بی‌تا، ص ۸۳).

### دیدگاه‌های مطرح درباره اضطباع و هروله در طواف

درباره اضطباع و هروله در طواف سه دیدگاه عمده میان فقهای مذاهب مختلف اسلامی وجود دارد. عموم فقیهان اهل سنت و برخی از فقیهان امامیه این عمل را مستحب و برخی از فقیهان مذاهب اهل سنت هروله را واجب دانسته‌اند، ولی در برابر، بیشتر فقیهان امامیه از عدم استحباب اضطباع و هروله در طواف یاد کرده و به جای هروله حرکت آرام و باوقار در طواف را مستحب شمرده‌اند که در ذیل به دیدگاه‌های یادشده و ادله هر یک اشاره می‌شود:

#### ۱. استحباب یا وجوب اضطباع و هروله در طواف

عموم فقیهان مذاهب چهارگانه اهل سنت اضطباع و هروله را در طواف مستحب شمرده‌اند. از جمله نووی از فقهای شافعی می‌نویسد: «مستحبات طواف نیز هشت عمل است که عمل دوم اضطباع و عمل سوم رمل است» (نووی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۴). وی در ادامه می‌نویسد: «فقیهان شافعی بر آنند که اضطباع ملازم با رمل است و هر جا رمل مستحب باشد اضطباع هم مستحب است» (همان، ج ۸، ص ۴۳)؛ با این تفاوت که اضطباع در همه هفت شوط مستحب است، ولی رمل تنها در سه شوط نخست از طواف استحباب دارد» (همان، ج ۸، ص ۲۰).

آبی از هری از فقهای مالکیه نیز در این باره گفته است: «مستحبات طواف چهار چیز است. اولین از آنها رمل در سه شوط نخست است که تنها برای مردان مستحب است، هر چند مریض باشند و در صورت ترک آن قربانی کردن حیوان واجب نیست، هر چند توان آن را داشته باشند» (آبی از هری، بی تا، ص ۳۶۷).

ابن قدامه از فقهای حنبلیه نیز درباره رمل آورده است: «رمل و اضطباع در طواف مستحب است» (ابن قدامه، بی تا، ج ۳، ص ۳۸۹). وی در ادامه آورده است: «رمل در سه شوط نخست از طواف قدوم سنت و مستحب است و در این باره ما مخالفی در بین اهل علم سراغ نداریم» (همان، ج ۳، ص ۳۸۷) و در جایی دیگر افزون بر طواف قدوم، رمل در طواف عمره را نیز مستحب شمرده است (همان، ج ۳، ص ۳۸۸).

برخی از فقیهان امامیه نیز اضطباع و رمل در طواف را مستحب شمرده‌اند. از جمله ابن حمزه طوسی در این باره می‌گوید: «از مستحبات طواف، رمل در سه شوط نخست طواف است و در چهار شوط بعدی راه برود، به‌ویژه در طواف زیارت و نیز اضطباع مستحب است» (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۷۲).

طوسی در کتاب «المبسوط» رمل را در طواف قدوم مستحب شمرده و می‌نویسد: «مستحب است که در سه شوط از طواف هروله کند و در چهار شوط راه برود و این عمل تنها در طواف قدوم مستحب است» (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۵۶).

ابن سعید حلی نیز از فقهای امامیه در این باره آورده است: «مستحب است حج گزار در طواف اضطباع کند و در سه شوط نخست از طواف قدوم هروله نماید و در چهار شوط دیگر راه برود» (ابن سعید حلی، ۱۴۰۵ق، ص ۲۰۱).

شهید اول و حلی از دیگر فقیهان امامیه‌اند که شهید در درس اضطباع در طواف (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۰۱) و حلی در دو کتاب تحریر الاحکام (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۵۸۵) و ارشاد الاذهان (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۲۵) رمل را در طواف مستحب شمرده‌اند.

برخی از فقیهان اهل سنت نیز هروله در طواف را واجب شمرده‌اند و از جمله ابن حزم از فقیهان ظاهریه در این باره می‌نویسد: «هرگاه عمره گزار مرد یا زن وارد مکه شدند باید وارد مسجد الحرام شوند و سپس بر گرد خانه هفت شوط از حجر الاسود تا حجر الاسود طواف کنند. سه شوط آن را به گونه خَبَب به جا آورند، یعنی با سرعت حرکت کنند و چهار شوط

باقی مانده را به آرامی حرکت کنند» (ابن حزم، بی تا، ج ۷، ص ۹۵). سپس وی در چگونگی دلالت روایات بر وجوب هروله گفته است: در احادیث مربوطه رسول خدا ﷺ مسلمانان را به هروله در طواف امر کرده است و امر دلالت بر وجوب مأموریه، یعنی هروله دارد (همان - جا).

برخی دیگر از عالمان اهل سنت از جمله حسن بصری، ثوری، عبدالملک ماجشون و برخی دیگر نیز رمل را از جمله سنتهایی دانسته اند که ترک آن سبب وجوب قربانی کردن حیوان می گردد (نووی، بی تا، ج ۸، ص ۵۹؛ ابن قدامه، بی تا، ج ۳، ص ۳۹۰).

### ۱-۱. دلایل

پیروان این دیدگاه دلایل متعددی برای اثبات نظریه خود اقامه کرده اند که مهم ترین آنها به شرح ذیل است:

۱. روایات منقول از سیره پیامبر ﷺ: دلیل نخست بر اثبات استحباب هروله در طواف، روایات منقول از سیره رسول خدا ﷺ است که این روایات به سه دسته ذیل قابل تقسیم است: الف) روایات حاکی از اضطباع و هروله در طواف عمره القضا: از جمله روایات منقول از طریق اهل سنت در این باره روایتی از ابن عباس است که گوید: «قدم رسول الله ﷺ مکه و قد وهنتهم حمی یثرب، فقال المشركون: أنه يقدم عليكم قوم قد وهنتهم الحمی ولقوا منها شرا، فأطلع الله سبحانه نبیه ﷺ علی ما قالوه، فأمرهم أن یرملوا الأشواط الثلاثة وأن یمشوا بین الركنین، فلما رأوهم رملوا قالوا: هؤلاء الذین ذكرتم أن الحمی قد وهنتهم، هؤلاء أجلد منا: رسول خدا ﷺ وارد مکه شد، در حالی که گرمای مدینه آنان را ناتوان کرده بود. مشرکان گفتند: به زودی قومی بر شما وارد می شوند که گرما آنان را ناتوان کرده و از آن شر و بدی به آنان رسیده است. خداوند پیامبرش را بر این سخنان آگاه کرد، از این رو به مسلمانان فرمان داد تا سه شوط از طواف را هروله کرده و میان دو رکن حجر الاسود و یمانی راه بروند. مشرکان هنگامی که مسلمانان را در حال هروله دیدند خطاب به خود گفتند: آیا اینان همان کسانی اند که گرمای مدینه آنان را ناتوان کرده است؟ اینان از ما تواناترند» (ابوداود سجستانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۲۱).

در نقلی دیگر از ابن عباس در این باره آمده است: «پیامبر ﷺ اضطباع کرد و حجر را استلام کرده و تکبیر گفت و سپس سه شوط از طواف را هروله کرد و آن حضرت و مسلمانان

هرگاه به رکن یمانی می‌رسیدند و از نگاه مشرکان غایب می‌شدند به آرامی حرکت می‌کردند، اما هنگامی که در برابر مشرکان ظاهر می‌شدند هروله می‌کردند» (همان، ج ۱، ص ۴۲۲).

این موضوع در برخی روایات منقول از اهل بیت علیهم‌السلام نیز نقل شده است. از جمله در روایت صحیح زراره: «سألت أبا جعفر علیه‌السلام عن الطواف أيرمل فيه الرجل؟ فقال: إن رسول الله صلى الله عليه وسلم لما أن قدم مكة وكان بينه وبين المشركين الكتاب الذي قد علمتم أمر الناس أن يتجلدوا، وقال أخرجوا أعضادكم، وأخرج رسول الله صلى الله عليه وسلم ثم رمل بالبيت ليربهم أنه لم يصبهم جهد، فمن أجل ذلك يرمل الناس: از امام باقر علیه‌السلام سؤال کردم: آیا در طواف مرد باید هروله کند؟ حضرت فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وسلم پس از قراردادی که میان مسلمانان و مشرکان منعقد گردید وارد مکه گردید و به مسلمانان فرمان داد با قدرت و شوکت ظاهر شوند، از این رو به آنان فرمود: بازوهایشان را از لباس احرام خارج کنند و آن حضرت خود نیز چنین کرد و سپس بر گرد خانه خدا هروله کردند تا نشان دهند خستگی سفر آنان را ناتوان نکرده است، از این رو مردم (اهل سنت) در طواف هروله می‌کنند، ولی من آرام حرکت می‌کنم (ابن بابویه، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۴۱۲؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۳۵۱).

در حدیث صحیحی دیگر نیز از امام صادق علیه‌السلام آمده است: «رسول خدا صلى الله عليه وسلم در حدیبیه یمانی را با مشرکان منعقد کردند که بر پایه آن مسلمانان اجازه یافتند سه سال وارد مکه شوند و بر اساس این یمان مسلمانان وارد مکه گردیدند و مناسک عمره را به جا آوردند. در این سفر پیامبر صلى الله عليه وسلم گروهی از مسلمانان را مشاهده کرد که در سایه کعبه نشسته‌اند، از این رو خطاب به آنان فرمود: قومتان از بالای کوه نظاره‌گر شما هستند و نباید شما را با حال خستگی و ضعف مشاهده کنند. در پی این سخن، افراد یادشده از جا به پا خاسته و پس از محکم بستن لباسها بر کمر، بر گرد کعبه هروله کردند» (ابن بابویه، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۴۱۲؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۳۵۲).

سه سال (ثلاثة سنين) در این روایت اشتباه است که ممکن است از ناحیه راویان و یا مؤلفان منابع حدیثی صورت گرفته باشد و متن صحیح روایت «ثلاثة أيام» یعنی سه روز است، زیرا در این قرارداد مقرر شد مسلمانان در سال دیگر برای انجام عمره تنها سه روز وارد مکه شوند (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۱۶۷؛ عاملی، ۱۴۲۶ق، ج ۱۹، ص ۱۵۱).

ب) روایات حاکی از اضطباع و هروله در حجة الوداع: در این مورد تنها یک روایت از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده که در آن از هروله رسول خدا صلى الله عليه وسلم در حجة الوداع که آخرین

حج پیامبر ﷺ بود سخن به میان آمده است. وی در این باره گوید: «إذا اتینا البیت معه استلم الرکن فرمل ثلاثا ومشی أربعا: هنگامی که در حجة الوداع با رسول خدا ﷺ وارد مسجد الحرام شدیم آن حضرت حجر الاسود را استلام کرد سپس سه شوط را هروله کرد و چهار شوط دیگر را راه رفت» (مسلم بن حجاج، بی تا، ج ۴، ص ۴۰؛ نسائی، ۱۳۴۸ق، ج ۵، ص ۲۲۸).

ج) روایات حاکی از اضطباع و هروله در مطلق طوافها: در این مورد دو روایت از ابن عباس و ابن عمر نقل شده که از هروله رسول خدا ﷺ در همه عمره‌ها و حجها حکایت دارند؛ از جمله در روایتی از ابن عباس آمده است: «رمل رسول الله ﷺ فی حجته و فی عمره کلها؛ رسول خدا ﷺ در طواف خود در همه حج و عمره‌هایش هروله می‌کرد» (ابن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۵).

در حدیثی دیگر ابن عمر نیز می‌گوید: «کان رسول الله ﷺ اذا طاف فی الحج والعمرة اول ما یقدم فانه یسعی ثلاثة اطواف ویمشی اربعا؛ رسول خدا ﷺ هر گاه طواف نخست خود را در حج یا عمره به جا می‌آورد سه شوط را هروله می‌کرد و چهار شوط را به آرامی می‌پیمود» (مسلم بن حجاج، بی تا، ج ۴، ص ۶۳؛ ابوداود سجستانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۲۲).

۲. عمل صحابه: دلیل دوم فقیهان اهل سنت بر استحباب اضطباع و هروله در طواف، عمل صحابه است. مزنی از فقهای شافعیه در این باره آورده است: «حج گزار برای طواف اضطباع کند، زیرا پیامبر ﷺ و عمر در هنگام طواف این عمل را انجام دادند.»

ابن قدامه از فقهای حنبلیه نیز می‌نویسد: «اضطباع مستحب است و ثابت شده که رسول خدا ﷺ و اصحابش این عمل را انجام می‌دادند» (ابن قدامه، بی تا، ج ۳، ص ۳۸۶). هم چنین در جایی دیگر به نقل از ابن عباس آورده است: «رسول خدا ﷺ در همه عمره‌هایش هروله می‌کرد و هم چنین ابوبکر و عمر و عثمان و خلفای بعد از عثمان در طواف هروله می‌کردند» (همان، ج ۳، ص ۳۸۷).

جصاص از فقهای حنفیه نیز در این باره آورده است: «ابوبکر و عمر و ابن مسعود و ابن عمر و دیگران در طواف هروله می‌کردند، از این رو بقای حکم یادشده ثابت می‌گردد» (جصاص، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۹۵).

۳. اجماع: دلیل دیگر فقیهان اهل سنت بر استحباب هروله اجماع است. از جمله ابن قدامه از فقهای حنبلیه در این باره ادعای اجماع همه اهل علم را کرده و می‌نویسد: «رمل در طواف

در سه شوط نخست از طواف قدوم مستحب است و مخالفی در میان اهل علم در این موضوع وجود ندارد» (ابن قدامه، بی تا، ج ۳، ص ۳۸۷).

نووی از فقهای شافعیه نیز ادعای عدم وجود خلاف در این موضوع را کرده است (نووی، بی تا، ج ۸، صص ۴۳-۴۱).

عموم فقیهان اهل سنت (همان، ج ۸، ص ۴۰؛ سرخسی، بی تا، ج ۴، ص ۱۰؛ ابن قدامه، بی تا، ج ۳، ص ۳۸۶) و برخی فقیهان امامیه (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۷۲؛ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۵۶؛ حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۵۸۵) با استناد به ادله یادشده، اضطباع و هروله و یا هروله تنها را در همه و یا برخی طوافهای خاص همچون طواف قدوم و طواف عمره مستحب شمرده‌اند.

## ۱-۲. نقد دلایل

دلایلی که پیروان دیدگاه یادشده برای استحباب یا وجوب اضطباع و هروله در طواف بیان کرده‌اند این دیدگاه را اثبات نمی‌کند و می‌توان به همه این دلایل پاسخ داد:

### ۱. نقد روایات:

الف: نقد روایات حاکی از اضطباع و هروله در عمره القضاء: روایاتی که از طریق اهل سنت و امامیه در مورد انجام اضطباع و هروله از سوی رسول خدا ﷺ در عمره القضاء یا طواف قدوم نقل شده است حکم استحباب یا وجوب این دو عمل را به دلایل متعدد اثبات نمی‌کند، زیرا:

اولاً: همان‌گونه که در متن این روایات به صراحت بیان شده است، حکم یادشده در این احادیث مربوط به مسلمانان صدر اسلام و زمان معین و به جهت تحقق اهداف خاص، یعنی نشان دادن هیبت و شوکت مسلمانان به مشرکان بوده است که این هدف هم در روایات منقول از طریق اهل سنت آمده است: «إن قومکم غدا سیرونکم. فلیرونکم جلدًا» (ابن ماجه قزوینی، بی تا، ج ۲، ص ۹۸۴) و هم در روایات منقول از طریق امامیه: «هو ذا قومکم علی رؤوس الجبال لایرونکم فیروا فیکم ضعفا، قال: فقاموا فشدوا أزرهم وشدوا أیدیهم علی أوساطهم ثم رملوا» (ابن بابویه، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۴۱۲؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۳۵۲) و چون پس از پیامبر ﷺ و در عصر حاضر شرایط یادشده از بین رفته است، احکام

استحباب یا وجوب انجام اعمال یادشده نیز باقی نمانده و چنین تکالیفی مشروعیت ندارد (نراقی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۷۹؛ بحرانی، بی تا، ج ۱۶، ص ۱۲۷).

ثانیاً: در احادیثی دیگر هم از ابن عباس و هم از اهل بیت علیهم السلام که ناقلان روایات یادشده هستند به صراحت از عدم سنت بودن این عمل بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله سخن به میان آمده است. از جمله ابی طفیل می گوید: «قلت لابن عباس: یزعم قومک أن رسول الله صلی الله علیه و آله قد رمل بالبیت وأن ذلک سنة، قال: صدقوا وکذبوا، قلت: وما صدقوا وما کذبوا؟ قال: صدقوا قد رمل رسول الله صلی الله علیه و آله وکذبوا لیس بسنة: به ابن عباس گفتم: قوم تو اعتقاد دارند که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر گرد خانه هروله کرد و این عمل سنت است. ابن عباس گفت: هم راست و هم دروغ گفته اند. گفتم: چگونه راست و دروغ گفته اند؟ گفت: از آن جهت که رسول خدا صلی الله علیه و آله هروله کرده، راست گفته اند؛ اما از آن جهت که این عمل برای دیگران سنت است دروغ گفته اند، زیرا رمل سنت نیست» (ابوداود سجستانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۲۱؛ ابن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۳۷۳).

همین روایت در منابع روایی امامیه نیز نقل شده است با این توضیح اضافی که پس از نقل مضمون یادشده، به صراحت از عدم انجام این عمل در حجهای بعد از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و مأمور نشدن مسلمانان به انجام رمل از سوی آن حضرت سخن به میان آمده است: «ثم حج رسول الله صلی الله علیه و آله بعد ذلک فلم یرمل و لم یامرهم بذالک» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۳۵۳).

در روایت منقول از امام باقر علیه السلام نیز آمده است: «... وأخرج رسول الله صلی الله علیه و آله ثم رمل بالبیت لیربهم أنه لم یصبهم جهد، فمن أجل ذلک یرمل الناس وانی لامشی: آن حضرت خود نیز شانه را از لباس خارج کرد و سپس بر گرد خانه خدا هروله نمود تا نشان دهند خستگی سفر آنان را ناتوان نکرده است، از این رو مردم (اهل سنت) در طواف هروله می کنند، ولی من آرام حرکت می کنم» (ابن بابویه، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۴۱۲؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۳۵۱).

ثالثاً: در برابر روایات یادشده، روایات متعددی از اهل بیت علیهم السلام نقل شده که در آنها ضمن نفی هروله، از استحباب حرکت همراه با سکون و اعتدال در طواف یادشده است (همان جا) که در ادامه بحث به برخی از این روایات اشاره می شود.

ب) نقد روایت حاکی از انجام هروله در حجة الوداع: این روایت نیز قابل پذیرش نیست و مدعای یادشده را اثبات نمی کند، زیرا:

اولاً: با وجود حضور دهها و بلکه صدها نفر از راویان حدیث در حجة الوداع، هروله در طواف حج یادشده تنها از سوی یک نفر از صحابه، یعنی جابر نقل شده است که این امر نشانه صحیح نبودن گزارش یادشده و عدم پذیرش این روایت است، زیرا هروله و اضطباع در طواف از یک سو امری آشکار و در منظر عموم مسلمانان بوده و از سوی دیگر موضوعی بسیار مهم است و اگر پیامبر اسلام ﷺ این دو عمل و یا یکی از آنها را انجام داده است، چرا صحابه دیگر از جمله امیرالمؤمنین علی ﷺ و خلفا و صحابه دیگر آن را نقل نکرده‌اند؟

ثانیاً: در روایات متعددی که از سوی اهل بیت ﷺ (کلینی، ۱۳۶۷ش، ج ۴، صص ۲۵۲-۲۴۴) و نیز از طریق برخی صحابه همچون اسامة بن زید فرزندخوانده رسول خدا ﷺ در مورد کیفیت حج رسول خدا ﷺ در حجة الوداع یاد شده (نسائی، ۱۳۴۸ق، ج ۵، ص ۲۲۰) از انجام هروله از سوی آن حضرت در این حج سخنی به میان نیامده است.

ثالثاً: در روایات مختلفی که از سوی صحابه از جمله، عایشه، ابن عباس، ابی طفیل و خود جابر (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۱۶۲؛ ابن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۷؛ مسلم بن حجاج، بی تا، ج ۴، ص ۶۷؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۶۳۴) و نیز از سوی اهل بیت ﷺ نقل شده (کلینی، ۱۳۶۷ش، ج ۴، ص ۴۲۹؛ عاملی، ۱۴۲۶ق، ج ۳۱، ص ۴۱) از طواف رسول خدا ﷺ سوار بر ناقه یاد شده است و هروله در حالت پیاده انجام می‌شود و یا حداقل در هیچ روایتی از هروله رسول خدا ﷺ با حالت سواره یاد نشده است.

رابعاً: در برخی روایات منقول از صحابه از جمله روایات منقول از ابن عباس بر عکس، از عدم انجام هروله از سوی رسول خدا ﷺ در این حج سخن به میان آمده است. وی در این باره می‌گوید: «ثم حج رسول الله ﷺ بعد ذلك فلم يرمل ولم يأمرهم بذلك، فصدقوا في ذلك وكذبوا في هذا: پس از آن (عمرة القضاء) رسول خدا ﷺ حج را به جا آورد، ولی در حج هروله نکرد و دیگران را نیز به این عمل فرمان نداد. پس در اصل انجام رمل از سوی رسول خدا ﷺ راست گفته‌اند، اما در سنت بودن این عمل پس از رسول خدا ﷺ دروغ گفته‌اند» (عینی، بی تا، ج ۹، ص ۲۴۸؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۳۵۳).

ج) نقد روایات حاکی از اضطباع و هروله در مطلق طوافها: روایاتی که در مورد هروله رسول خدا ﷺ در طواف همه عمره و حجهای انجام شده از سوی آن حضرت به نقل از ابن عباس و ابن عمر نقل شده نیز سنت بودن این عمل را به دلایل ذیل اثبات نمی‌کند:

اولاً: روایت نخست که که از انجام هروله رسول خدا ﷺ در همه حج و عمره‌های آن حضرت سخن گفته است تنها از سوی ابن عباس نقل شده و هیچ یک از صحابه دیگر روایت را با این بیان نقل نکرده‌اند. افزون بر این، روایت یادشده تنها در مسند ابن حنبل نقل شده و در هیچ یک از صحاح سته اهل سنت نیامده است که این دو جهت، ضعف روایت و عدم صحت آن را تقویت می‌کند. روایت ابن عمر نیز افزون بر این که تنها از سوی وی نقل شده، دلالتی بر انجام هروله در همه حج و عمره‌های پیامبر ﷺ ندارد.

ثانیاً: پس از انجام عمره القضاء پیامبر ﷺ تنها یک حج، یعنی همان حجة الوداع را به‌جا آوردند و در هیچ روایتی از انجام هروله رسول خدا ﷺ در این حج، به‌جز روایت جابر یاد نشده است و به دلایل متعدد ثابت شد که آن حضرت در طواف این حج هروله نکرده است و روایت جابر با واقعیت امر تطابق ندارد.

ثالثاً: در برابر این احادیث، روایات دیگری از جمله از راویان همین احادیث نقل شده است که سنت بودن این عمل و انجام آن در حج از سوی رسول خدا ﷺ را نفی می‌کند و از جمله ابن عباس در روایتی پس از اشاره به انجام هروله از سوی رسول خدا ﷺ در عمره القضاء می‌گوید: «ثم حج رسول الله ﷺ بعد ذلك فلم يرمل ولم يأمرهم بذلك، فصدقوا في ذلك وكذبوا في هذا: پس از عمره القضاء رسول خدا ﷺ حج را به‌جا آورد، ولی در حج هروله نکرد و دیگران را نیز به این عمل فرمان نداد. پس در اصل انجام رمل از سوی رسول خدا ﷺ راست گفته‌اند، اما در سنت بودن این عمل پس از رسول خدا ﷺ دروغ گفته‌اند» (عینی، بی تا، ج ۹، ص ۲۴۸؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۳۵۳).

رابعاً: بر فرض صحت این روایات، در برابر آنها روایات متعددی از اهل بیت ﷺ وجود دارد که در آنها سنت بودن رمل پس از پیامبر ﷺ نفی شده و حرکت با سکون و اعتدال از مستحبات طواف شمرده شده است که در ادامه پژوهش به این روایات اشاره می‌شود.

۲. نقد عمل صحابه: عمل صحابه نیز دلالتی بر وجوب یا استحباب اضطباع و هروله در طواف ندارد، زیرا:

اولاً: عمل به سنت یادشده، به‌ویژه هروله تنها از معدودی از صحابه نقل شده است، در صورتی که اگر هروله در طواف مستحب یا واجب بود بیشتر و یا بسیاری از صحابه پیامبر ﷺ و به‌ویژه اصحاب برجسته رسول خدا ﷺ همچون امیر مؤمنان علی ﷺ و امام حسن ﷺ و امام حسین ﷺ که برخی از آنان بیش از ۲۰ سفر حج انجام داده‌اند (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱،

صص ۱۳۳-۱۲۳) به آن عمل می‌کردند، ولی در هیچ یک از اخبار منقول از طریق اهل بیت علیهم‌السلام از انجام اضطباع و یا هروله آنان در طواف سخنی به میان نیامده است.

ثانیاً: اضطباع و هروله صحابه بیشتر ناظر به انجام این عمل از سوی صحابه در عمره القضاء است و نه در همه عمره و حجها و از این رو عمل آنان همانند عمل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سنت یادشده را برای همیشه اثبات نمی‌کند.

ثالثاً: بر فرض ثبوت این سیره و هروله صحابه در همه عمره‌ها و حجها، عمل صحابه به تنهایی حجت نیست، زیرا عمل صحابه در صورتی حجت است که خود آنان همچون امیر مؤمنان علی علیه‌السلام معصوم بوده و یا عمل آنان مستند به قول معصوم علیه‌السلام باشد.

۳. نقد دلیل اجماع: اجماع مورد ادعا نیز قابل پذیرش نیست و استحباب یا وجوب اضطباع یا هروله را اثبات نمی‌کند، زیرا:

اولاً: در مورد اضطباع چنین اجماعی وجود ندارد، زیرا افزون بر اهل بیت علیهم‌السلام و پیروان آنان به جز معدودی از فقیهان متقدم امامیه، مالک نیز این عمل را سنت و مستحب نمی‌دانند (ابن قدامه، بی تا، ج ۳، ص ۳۸۶).

ثانیاً: ادعای اتفاق همه اهل علم در مورد استحباب هروله نیز صحیح نیست، زیرا بسیاری از اهل علم از جمله ابن عباس، اهل بیت علیهم‌السلام که راسخان در علم هستند (کلینی، همان، ج ۱، ص ۱۸۶) و بیشتر عالمان و فقیهان امامیه، سنت بودن هروله در طواف را نپذیرفته و این عمل را در طواف انجام نمی‌دهند. مؤید این امر سخن ابن عباس است که به صراحت سنت بودن این عمل را پس از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تکذیب کرده است: «صدقوا قد رمل رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و کذبوا لیس بسنة» (ابوداود سجستانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۴۲۱). در روایاتی دیگر نیز از عدم عمل اهل بیت علیهم‌السلام به این سنت سخن به میان آمده است. از جمله در احادیثی از عدم عمل امام سجاد علیه‌السلام: «وقد کان علی بن الحسین یمشی مشیا» (ابن بابویه، ۱۳۸۶ ش، ج ۲، ص ۴۱۲) و امام باقر علیه‌السلام: «ان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم... رمل بالبيت لیربهم أنه لم یصبهم جهد، فمن أجل ذلك یرمل الناس وانی لامشی» (همان جا) به این سنت است.

## ۲. عدم استحباب یا وجوب اضطباع و هروله در طواف

دیدگاه دیگر که از سوی مشهور فقیهان امامیه بیان شده، آن است که اضطباع و هروله در طواف مستحب یا واجب نیست، بلکه در برابر، مستحب است طواف‌کننده در همه طوافها با

اعتدال و آرامش حرکت کند. از جمله ابن ادریس حلی در این باره می‌نویسد: «مستحب است که طواف بر گرد خانه خدا با سکون و اعتدال باشد نه با سرعت و نه با کندی» (ابن ادریس حلی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۳۴۷).

بسیاری از فقهای دیگر امامیه، به‌ویژه متأخرین از آنها از جمله فاضل هندی در کشف اللثام (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۴۶۵)، بحرانی در الحدائق الناضره (بحرانی، بی تا، ج ۱۶، ص ۱۲۵)، مقدس اردبیلی در مستند الشیعه (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۷۷) و نجفی (نجفی، ۱۳۶۵ش، ج ۱۹، ص ۳۵۲) همین نظر را برگزیده‌اند.

دیدگاه صحیح و برگزیده در این پژوهش، همین دیدگاه دوم است با این توضیح اضافی که بر آنیم که اضطباع و هروله در طواف در صدر اسلام حکم خاص و حکومتی بوده است که بر اساس مصلحت اسلام و مسلمانان و با توجه به شرایط حاکم در آن حصر به‌گونه موقت صادر شده و جنبه ثبات و دوام نداشته است و حکم شرعی مورد تأیید اسلام پس از پیامبر ﷺ عدم اضطباع و هروله و استحباب حرکت آرام و با اعتدال در طواف است.

عمده دلایلی که می‌توان در اثبات و تقویت این نظریه اقامه کرد به شرح ذیل است:

۱. روایات دال بر موقت بودن حکم اضطباع و هروله در طواف: روایاتی هم از طریق اهل سنت و هم از طریق شیعه نقل شده است که در آنها از اختصاص دو حکم یاد شده به صدر اسلام و شرایطی خاص سخن به میان آمده است که این روایات نشان‌دهنده موقتی و حکم حکومتی بودن این اعمال است. از جمله روایت ابی طفیل از ابن عباس است که در آن آمده است: «قلت لابن عباس: رأیت هذا الرمل بالبيت ثلاثة أطواف ومشی أربعة أطواف أسنة هو؟ فإن قومك یزعمون أنه سنة. قال فقال: صدقوا وكذبوا. قال قلت: ما قولك صدقوا وكذبوا؟ قال: إن رسول الله ﷺ قدم مكة فقال المشركون: ان محمدا وأصحابه لا یستطیعون ان یطوفوا بالبيت من الهزال وکانوا یحسدونه، قال: فامرهم رسول الله ﷺ ان یرملوا ثلاثا ویمشوا أربعاً: به ابن عباس گفتم: آیا هروله در سه شوط از طواف و راه رفتن در چهار شوط از آن سنت است؟ زیرا قوم تو اعتقاد دارند که این عمل سنت است. ابن عباس در پاسخ گفت: آنان هم راست و هم دروغ گفته‌اند. سپس فرمود: رسول خدا ﷺ وارد مکه شد. مشرکان گفتند: محمد و یارانش به جهت خستگی و ناتوانی قادر به طواف بر گرد کعبه نیستند و آنان نسبت به آن حضرت حسادت می‌ورزیدند، از این رو رسول خدا ﷺ فرمود: سه شوط از طواف را هروله

کنند و چهار شوط دیگر را راه بروند» (مسلم بن حجاج، بی تا، ج ۴، ص ۶۴؛ ابوداود سجستانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۲۱).

از طریق امامیه نیز در روایتی محمد بن مسلم می گوید: «... سألت أبا جعفر علیه السلام عن الطواف أيرمل فيه الرجل؟ فقال: إن رسول الله صلى الله عليه وآله لما أن قدم مكة وكان بين وبين المشركين الكتاب الذي قد علمتم، أمر الناس أن يتجلدوا وقال: أخرجوا أعضادكم وأخرج رسول الله صلى الله عليه وآله عضديه ثم رمل بالبیت ليربهم انهم لم يصبهم جهد، فمن أجل ذلك يرمل الناس وانی لامشى مشياً: از امام باقر علیه السلام سؤال کردم آیا در طواف مرد باید هروله کند؟ حضرت فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله هنگامی که وارد مکه شد و با مشرکان پیمانی که از آن آگاهید منعقد کرده بود، به مسلمانان فرمان داد تا قدرت خود را به مشرکان نشان دهند، از این رو فرمود: بازوان خود را از لباس احرام خارج کنند و رسول خدا صلى الله عليه وآله خود نیز بازوانش را خارج کرد سپس بر گرد خانه کعبه هروله کرد تا نشان دهد مسلمانان خسته و ناتوان نشده اند و به همین جهت مردم (اهل سنت) هروله می کنند ولی من در طواف راه می روم» (ابن بابویه، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۴۱۲).

۲. روایات دال بر استحباب حرکت با اعتدال در طواف: دلیل دیگر روایات صحیحهای است که در آن به حرکت با اعتدال، یعنی حرکت میان حرکت سریع و کند در طواف توصیه شده است. در روایت عبدالرحمن بن سیاه آمده است: «سألت أبا عبدالله علیه السلام عن الطواف فقلت: أسرع وأكثر أو أبطئ؟ قال: مشى بين المشيين: از امام صادق علیه السلام از حرکت در طواف پرسیدم که آیا با سرعت یا کندی حرکت کنم؟ حضرت فرمود: با اعتدال و حرکت بین سرعت و کندی حرکت کن» (کلینی، ۱۳۶۷ش، ج ۴، ص ۴۱۳).

۳. روایات دال بر استحباب سکون و آرامش در مطلق اعمال حج و عمره: دلیل دیگر روایات متعدد منقول از شیعه و اهل سنت است که در آنها بر انجام همه اعمال حج و عمره همراه با سکون و آرامش تأکید شده است، از جمله موارد و اعمال یادشده عبارت است از: رعایت سکون و آرامش هنگام ورود به حرم مکی: «فاذا بلغت الحرم... و امش حافياً و عليك السكينة والوقار...» (همان، ج ۴، ص ۴۰۰)؛ هنگام ورود به شهر مکه: «ثم ادخل مكة و عليك السكينة والوقار» (ابن بابویه، بی تا، ج ۲، ص ۵۵۶)؛ هنگام ورود به مسجد الحرام: «اذا دخلت المسجد الحرام، فادخله حافياً على السكينة والوقار و الخشوع» (کلینی، ۱۳۶۷ش، ج ۴، ص ۴۰۱)؛ هنگام طواف بر گرد کعبه: «من طاف... حافياً، يقارب بين خطاه» (همان، ج ۴، ص ۴۱۲)؛ هنگام رفتن به طرف صفا و مروه: «ثم اخرج الى الصفا... و عليك السكينة

والوقار» (همان، ج ۴، ص ۴۳۱)؛ هنگام سعی میان صفا و مروه: «ماشياً الى المروه وعلیک السکینة والوقار» (همان، ص ۴۳۰)؛ هنگام حرکت به طرف عرفات پس از احرام حج: «احرم بالحج ثم امض وعلیک السکینة والوقار» (همان، ص ۴۵۴)؛ هنگام ورود به عرفات: «ثم ائت الموقف وعلیک السکینة والوقار» (ابن بابویه، بی تا، ج ۲، ص ۵۴۱)؛ هنگام کوچ از عرفات به مشعر: «السکینة أیها الناس، السکینة أیها الناس» (ابوداو سجستانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۲۷؛ نسائی، ۱۳۴۸ق، ج ۵، ص ۲۵۷). کوچ از مشعر به منا: «ایها الناس السکینة، السکینة» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۵۶؛ ترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۸۶)؛ هنگام حضور در منا و رفتن به سمت جمرات: «ثم تمضی الی الثالثه وعلیک السکینة والوقار» (کلینی، ۱۳۶۷ش، ج ۴، ص ۴۸۱).

۴. عمل و سیره اهل بیت علیهم السلام در طواف: دلیل دیگر بر اثبات این نظریه سیره عملی اهل بیت علیهم السلام است که ضمن عدم نقل گزارشی از اضطباع آنان و نفی هروله در طواف، بر انجام طواف با حرکت با اعتدال تأکید کرده‌اند. از جمله در روایتی جد ابن عیسی گوید: «رأیت علی بن الحسین علیه السلام یمشی ولا یرمل: علی بن حسین علیه السلام را در حال طواف مشاهده کردم که به آرامی راه می‌رفت و هروله نمی‌کرد» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۳۵۳).

در حدیثی دیگر محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام در مورد هروله در طواف پرسید که آن حضرت این عمل را خاص شرایط ویژه‌ای در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله دانست و سپس فرمود: «وانی لامشی مشیا، وقد کان علی بن الحسین یمشی مشیا: من در طواف راه می‌روم و آرام حرکت می‌کنم و علی بن حسین علیه السلام نیز در طواف آرام راه می‌رفت» (ابن بابویه، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۴۱۲).

از این روایات نیز به دست می‌آید که حالت پسندیده و مورد رضای شارع آن است که زائر و حج‌گزار در این سرزمین و هنگام انجام همه اعمال حج و عمره با سکون و وقار و آرامش حرکت کند و از اعمالی که منافات با حالت یادشده دارد اجتناب کند و هروله در طواف از جمله اعمالی است که منافات با حالت آرامش و وقار دارد، از این رو بر اساس روایات یادشده شایسته است زائر به جز در شرایط خاص، از انجام این عمل اجتناب کند.

## نتیجه

از مجموع مطالب مطرح در این پژوهش این نتیجه حاصل شد که در مورد حکم اضطباع و هروله در طواف پس از پیامبر اسلام ﷺ سه دیدگاه عمده در میان فقهای اسلامی وجود دارد. عموم فقیهان مذاهب چهارگانه اهل سنت و عده‌ای از فقیهان متقدم امامیه با اقتدای به سنت یادشده، فرمان رسول خدا ﷺ به انجام اضطباع و هروله در طواف را حکم شرعی ثابت دانسته و قائل به استحباب این دو عمل پس از پیامبر ﷺ هستند. ظاهریه و برخی دیگر از عالمان اهل سنت با استناد به امر در این روایات هروله را واجب می‌دانند، در برابر، بیشتر فقیهان امامیه به‌ویژه متأخرین از آنها این دو عمل را مستحب ندانسته و به جای آن حرکت آرام و با اعتدال در طواف را مستحب شمرده‌اند. دیدگاه صحیح در این مورد دیدگاه اخیر است که با دلایل متعددی همچون روایات اهل سنت و روایات صادرشده از اهل بیت ﷺ در مورد موقتی بودن این احکام، روایاتی که در آنها از استحباب سکون و آرامش در مطلق اعمال حج و عمره یاد شده و نیز سیره عملی اهل بیت ﷺ عصمت و طهارت به اثبات رسید و ثابت گردید که حکم هروله در طواف و خارج کردن بازوان از لباس احرام در صدر اسلام حکمی حکومتی و ولایی بوده است که برای اثبات قدرت و شوکت مسلمانان در زمان خاص از سوی رسول خدا ﷺ صادر شده و حکم شرعی و پایدار اسلام در طواف عدم اضطباع و استحباب حرکت با وقار و سکون و آرامش است.

## فهرست منابع

- ابن ادريس حلی، محمد بن منصور (۱۴۲۹ق). *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی*. نجف: العتبة العلوية.
- ابن بابويه، محمد بن علی (۱۳۸۶ق). *علل الشرائع*. نجف: مكتبة امير المؤمنين عليه السلام.
- همو (بی تا). *من لا يحضره الفقيه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن حزم، علی بن احمد (بی تا). *المحلی بالآثار*. بیروت: دارالفکر.
- ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (۱۴۰۸ق). *الوسيلة الى نبيل الفضيلة*. قم: کتابخانه آية الله مرعشی نجفی.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (بی تا). *مسند الإمام احمد بن حنبل*. بیروت: دارصادر.
- ابن سعید حلی، یحیی بن احمد (۱۴۰۵ق). *الجامع للشرائع*. قم: مؤسسة سيد الشهداء العلمیه.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۱۰ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد (بی تا). *المعنی*. بیروت: دارالکتب العربی.
- ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید (بی تا). *سنن ابن ماجه*. بیروت: دارالفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق). *لسان العرب*. قم: نشر ادب حوزه.
- ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث (۱۴۱۰ق). *سنن ابی داود*. بیروت: دارالفکر.
- آبی ازهری، صالح (بی تا). *الثمر الدانی*. بیروت: المكتبة الثقافية.
- بحرانی، یوسف بن احمد (بی تا). *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق). *صحیح البخاری*. بیروت: دارالفکر.
- جصاص، احمد بن علی (۱۴۱۵ق). *احکام القرآن*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۱۱ق). *المستدرک علی الصحیحین*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *تفصیل وسائل الشیعة الى تحصیل مسائل الشریعة*. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- حسینی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دارالفکر.
- حکیم، سید محمد تقی (۱۹۷۹م). *الأصول العامة فی الفقه المقارن*. قم: مجمع جهانی اهل بیت عليهم السلام.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق). *ارشاد الأذهان الى احکام الإیمان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- همو (۱۴۲۰ق). *تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة*. قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۷ق). *المفردات فی غریب القرآن*. قم: طلیعه نور.
- رحمانی، محمد (۱۳۸۲ش). *بازشناسی احکام صادره از معصومین عليهم السلام*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

- سرخسی، محمد بن احمد (بی تا). المبسوط. بیروت: دارالمعرفه.
- شقیطی، محمدامین بن محمد (۱۴۱۵ق). اضواء البیان. بیروت: دارالفکر.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعية فی فقه الإمامیة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (بی تا). بحثی درباره مرجعیت و روحانیت. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۴۱۶ق). مجمع البحرین. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیة. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۲۴ق). السوق فی ظل الدولة الإسلامیة. بیروت: مركز الإسلامی للدراسات.
- همو (۱۴۲۶ق). الصحيح من سيرة النبي الاعظم. قم: دارالحدیث.
- عبدالمنعم، محمود عبدالرحمن (بی تا). معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية. قاهره: دارالفضيلة.
- عینی، محمود بن احمد (بی تا). عمدة القاری شرح صحیح البخاری. بیروت: دارإحياء التراث العربی.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فتح الله، احمد (۱۴۱۵ق). معجم الفاظ الفقه الجعفری. دمام: مطابع المدخول.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷ش). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- مسلم بن حجاج نیشابوری (بی تا). صحیح مسلم. بیروت: دارالفکر.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۹ق). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۵ش). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷ق). مستند الشیعة فی احکام الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- نسائی، احمد بن شعیب (۱۳۴۸ق). تفسیر النسائی. بیروت: دارالفکر.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- نووی، یحیی بن شرف (بی تا). المجموع شرح المذهب. بیروت: دارالفکر.

- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۲ش). فرهنگ فقه. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.